

تأثیر فعالیتهای مسالمت‌آمیز انرژی هسته‌ای ایران بر امنیت منطقه خلیج فارس

مجید بزرگمهری* / سید مهدی طباطبایی**

چکیده

منطقه خلیج فارس از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی حائز اهمیت است. حلقه اتصال میان شرق و غرب و داشتن تنگه هرمز به این منطقه موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده است. ذخایر انرژی و فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باعث شده است که امنیت این منطقه در کانون توجه جهانی قرار گیرد. در همین راستا پرسش مقاله حاضر این است که فعالیتهای مسالمت‌آمیز هسته‌ای ایران چه تاثیری بر امنیت منطقه خلیج فارس داشته است؟ فرضیه این است؛ از آنجایی که به نظر می‌رسد فعالیتهای هسته‌ای ایران می‌تواند باعث تغییر ترتیبات امنیتی و موازنه به نفع این کشور در منطقه شود، عمده کشورهای حوزه خلیج فارس سعی کرده‌اند؛ همگام با سیاست‌های آمریکا، این فعالیتهای غیر مسالمت‌آمیز و نظامی نشان داده و در نتیجه خطر جدی برای امنیت منطقه جلوه دهند. و در صدد توقف فعالیتهای هسته‌ای ایران برآیند. ملاحظه خواهد شد بعد از توافق ایران و ۵+۱ نیز دیدگاه امنیتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان بزرگترین تشکل در این منطقه، نسبت به مسئله هسته‌ای ایران تغییر محسوسی نداشته است و همچنان این کشورها اعتقاد دارند که ایران می‌خواهد با این اقدامات موازنه قوا را به نفع خود در منطقه برهم زند. مقاله حاضر سعی دارد با رهیافت رئالیسم به طور کلی و تئوری موازنه قوای مورگنتا موضوع را بررسی کند. روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها

ایران، منطقه، موازنه‌قوا، انرژی هسته‌ای، امنیت، خلیج فارس.

* دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز منطقه خلیج فارس را به بزرگترین مخزن انرژی در جهان تبدیل کرده است. ۶ کشور خلیج فارس حدود ۲۵ درصد نفت جهان را تأمین می‌کنند. به همین خاطر سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت به ۴۵ درصد از کل جهان در آینده خواهد رسید. نبود ماده جایگزین ارزان برای نفت از مهم‌ترین دلایل توجه به منابع انرژی هیدروکربن است. در مجموع اندیشمندان برآنند تا سال ۲۰۲۰ میلادی نفت و گاز به با رقمی در حدود ۱۱۱ میلیون بشکه در روز به عنوان منابع اصلی نزدیک به ۶۳ درصد انرژی مورد نیاز را تأمین خواهند کرد (رضایی، ۱۳۹۴).

خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی از دیر زمان حائز اهمیت بوده است. این منطقه از یک جهت حلقه ارتباطی میان شرق و غرب بوده و از سوی دیگر به دلیل داشتن تنگه هرمز که از موقعیت راهبردی ویژه‌ای در منطقه خاورمیانه (به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره است) برخوردار است. و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم پیوند می‌زند. مزیت‌ها و موقعیت‌های یاد شده اهمیت مقوله امنیت را برای کشورهای این حوزه و نیز دیگر کشورهای مرتبط با آن مؤکد ساخته است. در این راستا فعالیت‌های هسته‌ای در این منطقه باعث حساسیت کشورهای آن شده است. از سال ۲۰۰۳ که فعالیت‌های هسته‌ای ایران در منطقه علنی شد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با اعلان سیاست کلی خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای به مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران پرداختند. رهبران کشورهای عربی بارها اعلان نموده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران در بلند مدت می‌تواند توازن منطقه‌ای را به سود این کشور به هم بزند و منافع امنیتی و حتی بقای کشورهای منطقه را با خطرات جدی مواجه نماید. به همین دلیل این کشورها خواهان اعمال فشار همه جانبه سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. اینان اگرچه از اعمال زور نگرانی‌های گسترده‌ای دارند. با این وجود رهبران کشورهای عربی بارها اعلان کرده‌اند که اگر فشارهای دیپلماتیک و سیاسی نتواند مانع از تداوم برنامه هسته‌ای ایران گردد. در این صورت از حمله احتمالی آمریکا و یا اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت خواهند کرد. با توجه به درکی که رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از برنامه هسته‌ای ایران دارند، تا کنون سیاست‌ها و اقداماتی را برای متوقف نمودن آن در پیش گرفته‌اند. البته سیاست این کشورها در قبال برنامه هسته‌ای ایران کاملاً متأثر و هماهنگ با سیاست هسته‌ای

آمریکا در منطقه خاورمیانه بوده‌است. برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام که توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای اروپایی به رهبری آمریکا بود که حقوق هسته‌ای ایران را به رسمیت شناخته و بر مسالمت‌آمیز بودن مسئله هسته‌ای ایران اذعان نمودند (قبل از برجام ۱+۵ برنامه هسته‌ای ایران را برنامه‌ای نظامی حلوه داده بودند و تهدیدی برای امنیت جهانی می‌دانستند). از زمان اجرایی شدن برجام (اواخر ۲۰۱۵) کشورهای حوزه خلیج فارس با دستاویز قرار دادن مسائل مختلف خواهان کاهش قدرت ایران از طریق قطع روابط این کشور با کشورهای حامی خود هستند (قطع رابطه‌ی عربستان با ایران در قضیه‌ی اعدام شیخ نمر و طی آن قطع روابط بعضی کشورهای افریقایی و خاورمیانه با ایران). علاوه بر این توافق هسته‌ای با ایران منجر به افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در جریان مذاکرات سوریه و سنگین شدن وزنه سنگین ایران در مذاکرات ژنو^۳ شد.

چارچوب نظری پژوهش

از دیدگاه واقع‌گرایان، سیاست بین‌الملل همانند سیاست داخلی عرصه کشمکش بر سر قدرت، ولی به وسیله خشونت سازمان یافته می‌باشد. مفروضات اساسی واقع‌گرایی را به اختصار می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱) دولت‌ها بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل هستند، سایر بازیگران مانند سازمان‌ها و شرکت‌ها، و به طور کلی نهادهای غیر دولتی در چارچوب روابط میان دولت‌ها عمل می‌کنند. ماهیت چنین روابطی با حاصل جمع صفر تعیین می‌شود.

۲) رقابت دولت‌ها در یک فضای آنارشیک صورت می‌گیرد، و از آنجایی که در این فضا کل سیاست و سیاست بین‌الملل مبارزه برای قدرت می‌باشد، از بین بردن غریبه به دست آوردن آن بسیار کم‌رنگ است.

۳) از موضوعات محوری در رویکرد واقع‌گرایی، تاکید بر اصل خودیاری در محیط خارجی، و اختلاف آن با محیط داخلی است. و این عدم اعتماد در محیط خارجی منجر به پیدایش نظامی مبتنی بر موازنه قوا به عنوان بهترین روش اعتماد متقابل در محیط بین‌الملل محسوب می‌شود.

۴) تامین منافع ملی مهمترین هدف هر دولت در فضای بین‌المللی محسوب می‌شود. و در این بین اگر دولتی قدرت کافی نداشته باشد در حفاظت از اصول اولیه خود نیز عاجز می‌باشد.

۵) یکی از مهمترین اهداف یک دولت حفظ موجودیت خود در محیط بین المللی است. تضمینی وجود ندارد این مسئله با واکنش‌هایی از طرف دولت‌های دیگر مواجه نشود(قوام، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۴).

براساس مفروضات بالا از منظر واقع‌گرایان کسی که قوی‌تر است در رقابت بر سر کسب منابع برنده خواهد بود از منظر این گروه میان امنیت دولت و امنیت ملت‌ها رابطه معکوس برقرار است. بدین معنی که امنیت یکی به بهای نامی دیگری حاصل می‌شود و جمع میان امنیت ملت‌ها نه تنها دشوار بلکه ناممکن است(قاسمی، ۱۳۸۲: ۵۵).

مورگنتا اولین نظریه پرداز منسجم واقع‌گرایی محور اصلی مباحث خود را منافع ملی قرار می‌دهد و به اعتقاد وی، میان منافع ملی کشورها هماهنگی وجود ندارد و روابط میان کشورها براساس تعارض در منافع ملی شکل می‌گیرد. به همین جهت وی نظریه موازنه قوا را براساس همین تضاد بنیادین میان منافع بازیگران نظام بین‌الملل تدوین می‌کند که آن هم بر بدبینی فلسفی استوار است(نوری، ۱۳۹۰: ۲۵).

با توجه به مفروضات بالا، کشورهای حوزه خلیج فارس خواستار ایجاد ثبات و امنیت در منطقه هستند. این کشورها چنان که در گذشته نیز نشان داده‌اند با تضعیف ایران تا با ایجاد ترتیبات منطقه‌ای در راستای حفظ امنیت منطقه و علی‌الخصوص تأمین منافع ملی خود بکوشند، وقتی که فعالیت‌های هسته‌ای ایران در منطقه علنی می‌شود کشورهای حوزه خلیج فارس سعی در توقف نمودن فعالیت‌ها را دارند و خواستار لغو این فعالیت‌ها هستند. آنها دلایلی را در این زمینه ارائه می‌دهند.

۱- نخست آنکه منطقه ذاتاً حساس خلیج فارس و انباشته از تسلیحات گوناگون را به شبکه‌ای از باروت که هر لحظه احتمال انفجار آن می‌رود بدل خواهد ساخت.

۲- دوم آنکه کشورهای منطقه را خواه ناخواه برای تأمین تسلیحات به نحوی عمیق به کشورهای بزرگ وابسته می‌کند و نهایت آنکه احتمال رشد تمایلات قدرت طلبانه و گرایش به تفوق و برهم زدن موازنه قوا جهت تصفیه خصومت‌های دیرین و ارضای جاه طلبی‌های ذاتی را همواره زنده نگاه می‌دارد. این کشورها بر این عقیده‌اند که ایران در پی ساخت تسلیحات هسته‌ای است تا موازنه قوای منطقه را به سود منطقه و منافع ملی کشور هایشان خاتمه دهد(نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

همان طور که بیان شد یکی از شاخه‌های رهیافت رئالیسم نظریه موازنه قوا است که می‌توان گفت به عنوان مهمترین تئوری نظم در پارادایم واقع‌گرایی محسوب می‌شود. بر این پایه و از منظر کشورهای حوزه خلیج فارس، هسته‌ای شدن ایران در بعد نظامی و فناوری قدرت مضاعفی را به آن خواهد داد و لذا این کشورها واکنش‌های منفی از خود نشان دادند و در این راستا با حمایت از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و غرب سعی در ایجاد مانع و وقفه در فعالیت‌های هسته‌ای ایران داشته‌اند تا از افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران و سنگین شدن موازنه قوا در منطقه به سود ایران ممانعت به عمل آورند و در یک روند متقابل، آن را به نفع خود هدایت کنند. طبق برداشت ایالات متحده آمریکا، غرب و دولتهای محافظه‌کار عربی، ایران منشا اصلی ناامنی و برهم خوردن ترتیبات سنتی غرب‌محور در منطقه تعریف می‌شود بنابراین باید از فعالیتهایی که باعث افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌شود جلوگیری بعمل آورد.

انرژی هسته‌ای

انرژی هسته‌ای نوعی از انرژی است که در درون هسته اتم که خود ترکیبی از پروتون و نوترون بوده و الکترون‌ها نیز به دور آن می‌چرخند، متمرکز شده و به دو صورت ترکیب هسته‌ای و شکافت هسته‌ای آزاد می‌گردد. انرژی هسته‌ای دارای کاربردهای فراوان است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان، کاربردهای انرژی هسته‌ای را در دو بخش نظامی و غیر نظامی یا صلح‌جویانه قرار داد، با این ملاحظه که پیشرفت در فناوری هسته‌ای، پیشرفت در رشته‌های عملی مرتبط با این فناوری را به دنبال دارد. بنابراین پیشرفت این رشته در یک کشور به معنای پیشرفت در دیگر علوم می‌باشد زیرا تمامی علوم به نوعی در ارتباط با یکدیگر هستند.

بصورت موردی انرژی هسته‌ای در موارد زیر کاربرد صلح‌جویانه دارد.

- ۱- کاربرد انرژی هسته‌ای در تولید برق، ۲- کاربرد انرژی اتمی در پزشکی و امور بهداشتی، ۳- کاربرد انرژی اتمی در بخش دامپزشکی و دامپروری، ۴- کاربرد انرژی هسته‌ای در دسترسی به منابع آب، ۵- کاربرد انرژی هسته‌ای در بخش صنعت، ۶- کاربرد تکنیک هسته‌ای در شناسایی مین‌های ضد نفر (کارخانه‌ای، ۱۳۸۹: ۲).

یکی از مهم‌ترین موارد استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، تولید برق از طریق نیروگاههای اتمی است. فعالیت‌های مختلفی که با تولید الکتروسیته از واکنش‌های هسته‌ای

همراهند مرتبط به چرخه سوخت هسته‌ای هستند. چرخه سوختی انرژی هسته‌ای با اورانیوم آغاز می‌شود و با انهدام پسماندهای هسته‌ای پایان می‌یابد. دوبار عمل‌آوری سوخت‌های خرج شده به مرحله‌های چرخه سوخت هسته‌ای شکلی صحیح می‌دهد. کشورها با توجه به پایان پذیر بودن منابع فسیلی و روند رو به رشد توسعه اجتماعی و اقتصادی، استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق را امری ضروری و لازم می‌دانند و ساخت چند نیروگاه اتمی را دنبال می‌نمایند. کشورهای حوزه خلیج فارس مانند امارات متحده عربی از جمله کشورهایی هستند که خود را در این زمینه عقب مانده می‌بینند و در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری و تبلیغات بسیاری در زمینه ترویج و به کار گیری انرژی هسته‌ای انجام می‌دهند (<http://www.enec.gov.ae/about-us>:2015).

این موضوع با توجه به این مسئله است که در برخی کشورها (همچون فرانسه) تا حدود ۸۰ درصد انرژی الکتریکی از طریق هسته‌ای تامین می‌شود. و به طور کلی در پایان سال ۲۰۱۳، ۴۳۴ عامل راکتورهای هسته‌ای تجاری در سراسر جهان وجود داشت و در حدود ۱۱ درصد از برق تولید جهانی را تولید می‌کردند (گزارش جهانی آژانس بین المللی انرژی، 2014 <http://www.worldenergyoutlook.org>).

مزایای استفاده از انرژی هسته‌ای

انرژی در جهان امروز یک عامل راهبردی است و اغلب کشورهای جهان به خصوص آنها که به دنبال اعمال اراده و قدرت خود بر دیگر کشورها می‌باشند، از همین دریچه به مقوله انرژی می‌نگرند. سوخت‌های فسیلی مانند زغال سنگ، مقدار قابل توجهی از انواع آلاینده‌ها همانند ترکیبات کربن و گوگرد را وارد محیط زیست می‌سازند که برای سلامت انسان زیانبار است. از سوی دیگر با توجه به افزایش مصرف برق و پایان پذیر بودن منابع سوخت فسیلی به نظر می‌رسد استفاده از انرژی هسته‌ای بهترین گزینه موجود باشد. بالا رفتن حجم تولید گازهای گلخانه‌ای، هزینه‌های اجتماعی خاصی را ایجاد می‌کند که بالطبع باید جلوی تولید گازهای گلخانه‌ای را در نیروگاه‌های فسیلی گرفت.



تعداد نیروگاه‌های هسته‌ای در سراسر جهان، منبع: (Consa, 2014)

همان طور که از منبع فوق می‌توان دریافت، اسفاده از انرژی هسته‌ای بیشتر در مناطق پیشرفته‌ای مانند آمریکا، اروپای غربی، آسیای شرقی و روسیه صورت می‌گیرد. بیشترین نیروگاه‌های هسته‌ای جهان در قاره اروپا متمرکز شده است. در این قاره، فرانسه با داشتن ۵۸ نیروگاه هسته‌ای فعال، بیشترین نیروگاه هسته‌ای اروپا را در اختیار دارد، ضمن آنکه این کشور یک نیروگاه در دست احداث نیز دارد و تصمیم دارد یک نیروگاه دیگر نیز در آینده، راه اندازی کند. این کشور ۷۷٫۱ درصد از برق مورد نیاز خود را از نیروگاه‌های هسته‌ای اش تامین می‌کند که ظرفیت آنها ۶۳۱۳۰ مگاوات است. پس از فرانسه، روسیه بیشترین نیروگاه هسته‌ای فعال اروپا را در اختیار دارد. روسیه ۳۲ نیروگاه فعال، ۱۰ نیروگاه در دست احداث دارد و قصد دارد ۱۴ نیروگاه نیز در آینده تاسیس کند. در حال حاضر روسیه ۸ میلیون بشکه نفت در روز تولید و حدود ۵ میلیون از آن را صادر می‌کند. ۳۰ نیروگاه هسته‌ای دارد و به سرعت هم به نیروگاه‌های خود اضافه می‌کند، در حالی که اولین کشور در ذخایر گازی است.

پس از روسیه، انگلیس با ۱۹ نیروگاه فعال در رتبه سوم، آلمان با ۱۷ و اوکراین با ۱۵ نیروگاه اتمی از کشورهای اروپایی هستند که بخش قابل توجهی از برق خود را از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای تولید می‌کنند. در منطقه آمریکای شمالی ایالات متحده با ۱۰۴ نیروگاه فعال بیشترین نیروگاه فعال در جهان را دارد، علاوه بر این، این کشور یک نیروگاه در دست احداث

دارد و تصمیم دارد ۹ نیروگاه جدید نیز در آینده احداث کند. کانادا ۱۸ نیروگاه فعال و ۲ نیروگاه در دست ساخت دارد (مشرق نیوز، ۱۳۹۱).

این آمار و ارقام به خوبی حاکی از این است، کشوری که خواهان ایجاد تعادل و ثبات در زمینه انرژی در کشور خود هستند لازم است تولید برق و توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای را در مرکز توجه خود قرار دهند. علاوه بر این مسئله مهمی که باید در این جا بدان اشاره شود این است که ایجاد نیروگاه و استفاده از انرژی هسته‌ای مستلزم ورود یا تولید علوم و فنون جدید و متناسب با امنیت لازم برای کاربرد انرژی هسته‌ای است. و توجه به این امر باعث تسریع در پیشرفت جوانب بسیاری در صنایع و علوم دیگر در کشور میزبان تولید انرژی هسته‌ای خواهد شد.

علاوه بر صرفه اقتصادی دلایل زیر استفاده از انرژی هسته‌ای را ضروری می‌نماید. ۱- منابع فسیلی محدود بوده و متعلق به نسل‌های آتی می‌باشد. ۲- استفاده از نفت خام در صنایع تبدیل پتروشیمی ارزش بیشتری دارد. ۳- تولید برق از طریق نیروگاه اتمی آلودگی نیروگاه‌های کنونی را ندارد. فقط به عنوان نمونه تولید هفت هزار مگاوات با مصرف ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام، هزارتن دی‌اکسید کربن، ۱۵۰ تن ذرات معلق در هوا، ۱۳۰ تن گوگرد و ۵۰ تن اکسید نیتروژن را در محیط زیست پراکنده می‌کند، در حالی که نیروگاه اتمی چنین آلودگی را ندارد. شاید بتوان گفت بزرگترین مزیت استفاده از برق هسته‌ای عدم نوسان قیمت انرژی حاصل از این فرایند باشد، برخلاف انرژی‌های فسیلی که در سال‌های متمادی بسیار پر نوسان بوده اند. به خاطر همین مزیت‌هاست که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تولید ۸۰ درصد برق هسته‌ای را در دستور خود قرار داده است. (<http://www.worldenergyoutlook.org>; 2014)

ایران با توجه به همین استدلال بود که در ۱۸ نوامبر سال ۲۰۰۵، پیامی در نیویورک تایمز منتشر کرد، و با ترسیم موقعیت خود و با توجه به برنامه هسته‌ای تاکید کرد: "این درست است که ایران غنی از نفت و گاز است، ولی این منابع محدود هستند و با توجه به سرعت توسعه اقتصادی ایران، آنها را در ظرف دو تا پنج دهه تهی خواهد شد (<http://www.wideasleepinamerica.com/2015>).

انرژی هسته‌ای و خاورمیانه

خاورمیانه از جمله مناطقی است که در زمینه منع گسترش هسته‌ای با مشکلاتی مواجه بوده است. اسرائیل اولین رژیم در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود که این سیاست را زیر پا گذاشت و توانست به شکل غیر رسمی به تسلیحات هسته‌ای دست یابد. آمارهای بین‌المللی مانند اندیشکده «مرکز تحقیقات تحقیقات مطالعات استراتژیک» در گزارشی تازه با بیان اینکه در حال حاضر بیشتر از ۲۰۰ بمب پیشرفته در مالکیت اسرائیل است که به توانایی دارا بودن سلاح اتمی اسرائیل اذعان دارند (Steinbach, 2010: 336).

با اینکه نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو، تاکید کرده اسرائیل نمی‌خواهد اولین کشوری باشد که سلاح هسته‌ای را برای اولین بار به خاورمیانه معرفی کند. ولی تقریباً همه بر این عقیده اند اسرائیل سلاح هسته‌ای دارد. فارغ از اظهارنظرهای عمومی که در بسیاری موارد اغراق می‌کنند و عدد کلاهک‌های اسرائیل را از ۷۵ تا ۴۰۰ عدد برآورد می‌کنند تحلیل‌گران برآورد می‌کنند که این رژیم در حدود ۸۰ کلاهک هسته‌ای دارد و البته مواد شکافتنی این رژیم به حدی است که می‌تواند ۲۰۰ کلاهک اتمی دیگر نیز بسازد (norris.kristensen: 2014).

تعداد کلاهک‌های هسته‌ای کشورهای دارای سلاح هسته‌ای در جهان



منبع: (<http://www.armscontrol.org/factsheets/Nuclearweaponswhohaswhat>)

اگرچه این مساله از جمله نگرانی‌های عمده اعراب به ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در منطقه بوده و برای مقابله با این تهدید، کشورهای عضو شورا به‌طور کلی از ایده «خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای» حمایت نموده‌اند. اما در واقع نگرانی اصلی کشورهای عربی از ۲۰۰۳ و با آشکار شدن برنامه هسته‌ای ایران آغاز شد. کشورهای عضو شورا بر این باورند که فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پوششی برای ساخت تسلیحات هسته‌ای محسوب می‌گردد. و در نتیجه رهبران کشورهای منطقه بارها اعلام نموده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران در بلند مدت توازن منطقه را به سود این کشور بر هم می‌زند و منافع امنیتی و حتی بقای کشورهای منطقه را با خطرات جدی مواجه می‌نماید. و در این رهگذر کشورهای عربی بهترین راه را افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران می‌دانند (ترابی، ۱۳۹۱).

تحول مفهوم امنیت: ترتیبات و اقدامات امنیتی در منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس با شرایطی جدید و متفاوت با دوران جنگ سرد و پس از آن روبروست. واقعیت این است که تنظیم توازن قوا و حفظ امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس به ویژه پس از سقوط حزب رژیم بعثی در عراق به یکی از معضلات منطقه تبدیل شده و تمامی طرف‌های درگیر، مسئله را بر اساس حاصل جمع صفر و موقعیت را همیشه بصورت امنیتی تصور کرده و در این موقعیت درصد افزایش قدرت نسبی به نفع خود بوده‌اند. محیط امنیتی کنونی خلیج فارس با فروپاشی شوروی و حادثه یازدهم سپتامبر دچار تغییرات بسیاری گشت و این مسئله پس از سقوط صدام بسیار حادث‌تر شده است و می‌توان گفت در این منطقه سیستم "توازن امنیت" و توازن قوا بکلی از بین رفته است (<http://belfercenter.org>:2015).

علاوه بر این و از سالهای ۲۰۰۳ هم که مسئله فعالیت‌های مسالمت آمیز هسته‌ای ایران طرح شد این شرایط فرصت‌های نوینی را برای همکاری فزاینده میان کشورهای منطقه و خانه تکانی جدی در شورای همکاری خلیج فارس پدید آورد که غفلت از آن چالش‌ها و تهدیدهای تازه‌ای را متوجه منافع و امنیت فرهنگی، انسانی، زیست‌محیطی، مذهبی و اطلاعاتی کشورهای منطقه خواهد کرد. امنیت را نمی‌توان سلبی دید و نبود تهدید نظامی را نمی‌توان امنیت دانست. امنیت خلیج فارس با همکاری، مشارکت جمعی و توسعه رابطه مستقیم دارد. و چنانکه این نگاه و برداشت از امنیت در خلیج فارس در شورای همکاری و میان کشورهای عربستان- کویت- بحرین- امارات متحده- قطر- عمان، حاکمیت یابد. قطعاً دستیابی به نظام امنیتی پایدار

دور از انتظار نخواهد بود. امنیت خلیج فارس یکی از پایه‌های امنیتی جهان را شکل می‌دهد. شش کشور عربی عضو شورای خلیج نمی‌توانند از همکاری دم‌زنند، اما از امنیت حرف‌نزنند. یا نسبت به سرنوشت آن در عصر وابستگی متقابل پیچیده در منطقه بی‌تفاوت باشند. ماهیت ضد ایرانی شورای همکاری خلیج که با علنی شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران پررنگ‌تر شده است برای به وجود آمدن امنیت در منطقه باید تغییر یابد. چون کشور ایران هم از سرنشینان کشتی خلیج فارس است و به طور مشترک در ثبات و امنیت و رفاه آن سهیم است. در عین حال بحران اعتماد میان ایران و بسیاری از کشورهای خلیج فارس کم‌رنگ شده اما به طور کلی از بین نرفته، این عوامل مانع از آن شده تا یک نظام امنیتی پایدار و بومی در منطقه شکل بگیرد. بین کشورهای منطقه اعتماد و اطمینان چندانی وجود ندارد. (مومنی، ۱۳۸۴: ۱۴)

کشور امارات متحده که با ایران بر سر جزایر سه‌گانه در مشکل است در مقابل فعالیت‌های هسته‌ای ایران موضع می‌گیرد و با خریدهای گسترده نظامی، توافق‌های نظامی دو جانبه با آمریکا سعی دارد با ایران مقابله کند. و هم‌چنین کشور عربستان که خود را برادر بزرگ‌تر منطقه می‌داند در مقابل اقدامات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران زیر چتر نجات آمریکا می‌رود. تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس با یکدیگر هم‌مرزند و بیشتر بر سر مسائل ارضی با یکدیگر اختلاف دارند. این کشورها اعتقاد دارند که وجود قدرت بزرگ هسته‌ای مانند ایران، ترس و نگرانی کشورهای کوچک و ذره‌ای عضو شورای همکاری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین آنها امنیت خود را با قدرت‌های خارج از منطقه پیوند زده‌اند و توافق‌های نظامی زیادی را با قدرت‌های بزرگ جهان منعقد کرده‌اند و در این میان اصلی‌ترین هدف ایالات متحده در منطقه نیز تثبیت قدرت مقابله به مثل و جلوگیری از تقویت قدرت منطقه‌ای معارض با این کشور است. (مومنی، ۱۳۸۴: ۱۴).

امنیت خلیج فارس

حال به بررسی منطقه خلیج فارس می‌پردازیم که با شروع فعالیت‌های هسته‌ای ایران چه اتفاقاتی در این منطقه رخ داده است. منطقه خلیج فارس به گواهی تاریخ اگر مهم‌ترین منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جهان نباشد بدون شک یکی از مهم‌ترین مناطق جهان بوده است که از قرن‌های گذشته همواره کانون رقابت قدرت‌های بزرگ جهان و در دهه‌های اخیر مرکز فاجعه

بارترین جنگ‌ها بوده است. خلیج فارس اگر چه نسبت به خلیج‌های مشابه دیگر جهان، مساحت چندانی ندارد اما از موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار می‌باشد (گروه علوم سیاسی، ۱۳۸۵: ۹). در آغاز هزاره جدید، ژئوپلیتیک خلیج فارس دچار تحولات اساسی شده است. در نظریه‌های ژئوپولتیکی گذشته، خلیج فارس جزو سرزمین‌های حاشیه‌ای به شمار می‌رفت. اما در نظریه‌های جدید، خلیج فارس به سرزمین هارتلند و یا به گفته لوهازن به «مرکز مرکز» تبدیل شده است (نوری، ۱۳۹۰: ۵۳).

منطقه خلیج فارس از چند دهه گذشته در کانون مساله امنیت بین‌المللی بوده است. موقعیت ژئواستراتژیک، منابع عظیم انرژی، رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این حوزه و مناقشات و بحران‌های منطقه‌ای، تاکنون از مؤلفه‌های اصلی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس بوده است. اکنون مؤلفه جدیدی در حال ظهور است که می‌تواند شکل‌بندی قدرت و امنیت را در این منطقه در طول سال‌ها و دهه‌های آینده تغییر دهد و رقابت‌های منطقه را وارد مرحله نوینی سازد. این مؤلفه تلاش کشورهای منطقه برای هسته‌ای شدن است که می‌تواند دارای ابعاد گوناگون صلح‌آمیز یا نظامی باشد. سیاست هسته‌ای در منطقه خلیج فارس با برجسته‌تر شدن فعالیت هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و موفقیت آن در دستیابی به تکنولوژی چرخه کامل سوخت هسته‌ای، شکل تازه‌ای به خود گرفت. این سیاست با واکنش سایر کشورهای حوزه خلیج فارس همراه بوده است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اثر تبلیغات منفی کشورهای غربی در مورد توان هسته‌ای ایران، روی به همگرایی امنیتی با یکدیگر آورده و سعی کرده‌اند بعد امنیتی شورای همکاری خلیج فارس را بین خود تقویت کنند و از مواضع یکدیگر در منطقه بیشتر حمایت کنند (دوست محمدی، ۱۳۸۹: ۲).

از مهم‌ترین مسائلی که در منطقه خلیج فارس مطرح می‌باشد عدم توازن قدرت کشورهای منطقه و حضور قطب‌های نظامی قدرتمندی چون ایران و عراق و تا حدی عربستان سعودی در مقابل کشورهای کوچک و ضعیفی چون کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی نیز خود بر دغدغه موجود درباره ثبات در منطقه افزوده است. بدون تردید فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و بحران ناشی از آن امنیت کلیه کشورهای منطقه اعم از ایران و همسایگان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و تلاش سیاسی و دیپلماتیک همه جانبه برای حل و فصل آن به صورت مسالمت‌آمیز با حفظ حقوق طبیعی همه کشورها وظیفه کلیه آنان است.

دستیابی ایران به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای و موفقیت‌های این کشور در این زمینه، نقش مهمی در تغییر توازن قدرت در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشته است. به اضافه اینکه در کیفیت مناسبات سیاسی ایران با کشورهای عربی خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای تأثیر ویژه خود را داشته است. در سطح منطقه و بین‌الملل برنامه هسته‌ای باعث ضرورت تقویت توان دفاعی یک کشور برای حفظ امنیت ملی به صورت عمومی و حفظ امنیت نیروگاه‌های هسته‌ای به صورت اختصاصی شد و توسعه‌ی راهبردهای امنیت و دفاع ملی را در سیاست منطقه‌ای و بین‌الملل ایران تقویت کرد. توسعه و توان هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بر ماهیت و کیفیت توازن قدرت، تغییر و مناسبات سیاسی با کشورهای خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای نقش تأثیرگذار مهمی داشته است. و اینکه قدرتمند شدن ایران با توجه به موضع سیاست خارجی انقلابی-اسلامی آن، ضریب اعتماد و اطمینان نسبی کشورهای منطقه و نیز آمریکا، اسرائیل و غرب نسبت به جمهوری اسلامی ایران کاهش داده است.

تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای

منطقه خلیج فارس از زمان حمله عراق به کویت و نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کمونیسم جهانی (۱۹۹۱-۱۹۹۰) شاهد یک رشته تغییر و تحولات گسترده ساختاری در عرصه سیاست و توازن قدرت منطقه‌ای و جهانی بوده است. که مهم‌ترین آنها عبارت از فروپاشی نظام دو قطبی و ایجاد یک نظام تک قطبی و تک صدایی در جهان در قالب نظم نوین جهانی بوده است. در این میان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با کسب تجربه‌های عینی و ملموس از رخداد جنگ ایران و عراق و تحولات مربوط به آن و از جمله سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و کشورهای غربی در قبال جنگ و شناخت اهمیت و نقش قدرت صنعتی و تکنولوژی در موقعیت و وزن کشورها رویکردی مبتنی بر قدرت و واقع‌گرایی پیدا کرد. پژوهش‌های مربوط به فناوری هسته‌ای این کشور را تاکنون به موفقیت‌های چشم‌گیری در عرصه جهانی دانش صلح‌آمیز هسته‌ای نائل کرده است. دستیابی ایران به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای و پیش‌بینی دیگر موفقیت‌های آتی آن در این زمینه، نقش مهمی در تغییر توازن قدرت در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشته است. به اضافه اینکه در کیفیت مناسبات سیاسی ایران با کشورهای عربی خلیج فارس و امنیت منطقه تأثیرهای ویژه خود را داشته است (اسدی، ۱۳۸۵: ۶).

کارشناسان و تحلیلگران سیاسی بر این اعتقادند که وقوع برخی تحولات در یک تا دو سال اخیر در خلیج فارس و به طور کلی در خاورمیانه نظام موازنه منطقه‌ای قدرت را به نفع ایران و به ضرر عربستان بر هم زده است. جدا از برخی تحولات مهم در منطقه خاورمیانه نظیر روی کارآمدن دولت حماس در فلسطین و پیروزی حزب‌الله در لبنان در جنگ با اسرائیل روی کارآمدن یک دولت شیعی در عراق به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران کمک زیادی کرده است. بسیاری پیشرفت‌های چشمگیر ایران در حوزه انرژی هسته‌ای را عامل دیگری در تقویت موقعیت منطقه‌ای ایران در خلیج فارس قلمداد می‌کنند. طبعاً دوام موفقیت‌های ایران در این حوزه و دستیابی آن به چرخه کامل سوخت هسته‌ای بر ارتقای توان و قدرت ملی این کشور تأثیر قاطعی برجای خواهد نهاد. این امر می‌تواند روند تغییر نظام توازن قدرت در حوزه خلیج فارس را به نفع ایران تسریع نماید. تلاش جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای خود می‌تواند به منزله عاملی در راستای تغییر معادلات امنیتی منطقه به سوی چند جانبه‌گرایی به زیان یک جانبه‌گرایی راهبردی نومحافظه‌کاران تلقی گردد. توان صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به عنوان یک متغیر اساسی می‌تواند دگرگونی‌هایی را در فضای امنیت منطقه خلیج فارس به عنوان یک منطقه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی دهد که در نهایت در مقطع زمانی ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کنونی می‌تواند به مقوله واگرایی یا همگرایی در منطقه خلیج فارس بیانجامد «آمریکا در راستای دستیابی به اهداف خود با توجه به ترس ناشی از افزایش قدرت ایران در منطقه و حضور به عنوان رقیب در خاورمیانه با تأکید بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، سعی در تهدید جلوه دادن ایران دارد. به خصوص این که ایران از قدرت بالایی در منطقه برخوردار است و به عنوان یکی از قدرتهای منطقه خواهان حضور فعال در تصمیم‌گیری‌های مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس است؛ مانند تلاش‌هایی که برای تأثیرگذاری بر عراق پس از صدام و افغانستان پس از طالبان انجام داد تا جایی که در بسیاری از این موارد با سیاستهای آمریکا همسو می‌گردید» (محسنی، ۱۳۹۰: ۶۱۸).

پیشینه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای ایران: ورود دانش هسته‌ای به ایران قبل از انقلاب

پس از طرح اتم برای صلح در زمان ریاست جمهوری آیزونهاور شروع به اعطای امتیاز به کشورهای دوست خود، برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای نمودند. ایران نیز در آن زمان مشمول این امتیازات قرار گرفت و اولین راکتور ۵ مگاواتی را در سال ۱۹۶۷ با کمک آمریکا در

تهران راه اندازی کرد. از همان زمان دانشگاه تهران در زمینه علم و فناوری هسته‌ای فعال شد و تربیت دانشجو را آغاز کرد. بعد از گذشت چند سال در دهه ۷۰ میلادی دولت وقت تصویب کرد که ایران باید تعداد قابل توجهی نیروگاه هسته‌ای برای تولید انرژی برق داشته باشد. برای مدیریت این تصمیم بزرگ لازم شد تا سازمان انرژی اتمی ایران به وجود بیاید بنابراین کلیه امکانات هسته‌ای کشور برای پیشبرد این اهداف در اختیار این سازمان قرار گرفت (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۸).

فعالیت‌های هسته‌ای ایران پس از انقلاب اسلامی

از آنجا که برنامه هسته‌ای ایران ریشه در زمان پهلوی داشت و متناسب با سیاست‌ها و اولویت‌های آن رژیم طراحی و برنامه‌ریزی شده بود، پس از انقلاب اسلامی در پی تجدید نظرهای اساسی در اهداف و وظایف سازمان انرژی هسته‌ای ایران همه چیز برای مدت یک دهه متوقف ماند. توجه ایران به انرژی هسته‌ای پس از انقلاب، طبق برخی نظریات مربوط به اواسط دهه ۸۰ میلادی است که در این دوره به علت قطع ارتباط با غرب ایران سعی کرد که از کمک‌های هسته‌ای چین و پاکستان بهره‌مند شود (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۱). با توجه به این مطلب، در این جا به نظر موافقان کسب سلاح هسته‌ای توسط ایران اشاره می‌شود.

نظر معتقدان به کسب سلاح هسته‌ای: عده‌ای بر این معتقدند که ایران باید به سمت سلاح هسته‌ای گام بردارد و باید این کار را بکند و استدلال می‌کنند که اصلی‌ترین عامل در این خصوص نگرانی‌های امنیتی است. این افراد در واقع با نگاه رئالیسم کلاسیک به قضیه هسته‌ای ایران می‌پردازند. ایشان معتقدند اولین نگرانی‌ها در جریان جنگ ایران و عراق پدید آمد. در این دوره مقامات ایران به این امر واقف شده بودند که عراق در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است و لذا برای برقراری نوعی موازنه قوا، در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای برآمدند. از سوی دیگر توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه نیز تلاش ایران را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای توجیه می‌کند. مواردی از قبیل حضور نظامی آمریکا در تقریباً همه کشورهای همسایه، همراه با یاغی خواندن ایران و قرار گرفتن در میان قدرت‌های هسته‌ای پاکستان، روسیه و اسرائیل شرایط موجود بین ایران و اسرائیل و مسائل تاریخی با روسیه و احتمال قدرت‌گیری شبه نظامیان طالبان در پاکستان یک نتیجه منطقی برای ایران داشته باشد که در صورت داشتن سلاح هسته‌ای از جانب کشورهای منطقه تهدید نخواهد شد (بولتن ویژه، ۱۳۸۱).

از سوی دیگر برخی استراتژیست‌های ایرانی نیز به چند دلیل دستیابی به سلاح هسته‌ای را به نفع ایران نمی‌دانند. از یک سو اگر ایران به بمب دست یابد دولت آمریکا می‌تواند در کوتاه مدت کشورهای منطقه را تحت حمایت اتمی خود بگیرد و این امر نه تنها وضعیت منطقه را بی‌ثبات خواهد کرد، بلکه موجب تثبیت و تعمیق حضور نظامی آمریکا در منطقه خواهد شد. از سوی دیگر، این مسئله موجب مشروعیت بخشی به برنامه‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی خواهد شد و این رژیم می‌تواند به همین بهانه برنامه توسعه سلاح‌های کشتار جمعی خود را ارتقاء دهد. هم‌چنین از آنجا که اصل اساسی در سیاست منطقه‌ای ایران مبارزه با دو سیاست آمریکا مبنی بر «انکار و محدود سازی ایران» است دستیابی ایران به بمب کمکی به آمریکا در اجرای سیاست‌هایش باشد (هاشمی، ۱۳۸۱: ۲۵).

در هر حال جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان متمادی همواره تأکید بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای داشته و مسئولان عالی نظام بارها اعلام کرده‌اند که سلاح‌های هسته‌ای و بمب اتمی در دکتترین دفاعی کشور جایی ندارند (کارخانه‌ای، ۱۳۸۹: ۱). ولی مقامات ایرانی اعلام کرده‌اند، که دستیابی به چرخه تولید سوخت هسته‌ای، از حقوق مصرح کلیه اعضای NPT است و قدرت‌های بزرگ حق ندارند در این مسیر مانع ایجاد کنند. هم‌چنین ایران به دنبال خودکفایی نسبی در تولید انرژی اتمی است و به عبارت دیگر اگر کشور ایران بتواند از معادن غنی اورانیوم خود، سوخت هسته‌ای را تأمین کند گام مهمی در جهت استقلال صنعتی برداشته است. به علاوه از نظر برخی دستیابی ایران به چرخه سوخت هسته‌ای فرصتی است که می‌تواند سطح اعتماد مردم به حاکمیت، احزاب و مشارکت اجتماعی را افزایش دهد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۷).

ایران هسته‌ای، پیامدهای منطقه‌ای

اگر ایران به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود و موضعی مبهم را اتخاذ کند، آنگاه پیامدهای آن در سراسر منطقه احساس خواهد شد. کشورهایی که بیشترین زیان را خواهند دید بدون شک همسایگان ایران یعنی ترکیه، عراق و عربستان سعودی خواهند بود. و البته اسرائیل که بسیار نگران است. بنابراین ممکن است زنجیره‌ای از وقایع را شاهد باشیم. اتخاذ موضع هسته‌ای آشکار از سوی اسرائیل و گسترش تسلیحات هسته‌ای در دولتهایی نظیر مصر، عربستان سعودی و ترکیه در عین حال ظهور یک خاورمیانه چند قطبی نیز می‌تواند از پیامدهای تهران هسته‌ای

باشد. به طور کلی این نظر وجود دارد که اسرائیل دارای تسلیحات هسته‌ای بوده و موشک‌ها و برخی از هواپیماهای آن برای حمل چنین کلاهک‌هایی مناسب می‌باشند. ابهام هسته‌ای اسرائیل بر فقدان یک چالش هسته‌ای منطقه‌ای قرار دارد. فرمول اسرائیل از مدت‌ها قبل این بوده است که اولین کشور نشان دهنده تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه نخواهد بود و البته برخی اضافه می‌کنند که دومین کشور هم نخواهد بود. یک چالش هسته‌ای در منطقه برداشت تهدید را افزایش داده و سبب پشتیبانی نخبگان و مردم از تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای رسمی خواهد شد. ظهور چنین چالشی اسرائیلی را که همیشه مخالف دادن هرگونه امتیازی به ایران، و مخالف هر معامله هسته‌ای بوده است را مجبور خواهد کرد تا خواسته‌های آمریکا را برای خویشتن‌داری هسته‌ای را نادیده بگیرد. (<http://www.ecfr.eu/page/>:2015)

نگرانی از مسلح شدن چند کشور به سلاح هسته‌ای و حتی ظهور چند قدرت هسته‌ای در خاورمیانه می‌تواند ایجاد کننده وضعیتی بسیار خطرناک باشد. بسیار بعید است که بازیگران منطقه خلیج فارس بتوانند مکانیسم توازن وحشت در جنگ سرد میان ابرقدرت‌های ایالات متحده و اتحاد شوروی را به اجرا گذارند. بنابراین احتمال زیادی وجود دارد که یک خلیج فارس هسته‌ای به برداشت‌های تهدید، بی‌ثباتی مزمین و افزایش احتمال جنگ هسته‌ای منجر گردد (گلشن پژوه، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

نقش انرژی هسته‌ای در تغییر وزن قدرت ملی ایران

قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، برآمد توانایی‌ها و مقدرات یک کشور است که برگرفته از وزن ژئوپلیتیکی آن است. تأمین امنیت ملی و قدرت چانه‌زنی هر دولت در عرصه بین‌المللی هم ناشی از مؤلفه‌های قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی آن دولت است، افزایش این مقوله‌ها در گسترش مرزهای ژئوپلیتیکی مؤثرند. از مولفه‌های تاثیرگذار در تولید قدرت و افزایش وزن ژئوپلیتیکی انرژی هسته‌ای است.

توانایی دسترسی به چرخه هسته‌ای با توجه کاربردهایی که در بالا اشاره شد تاثیر شگرفی در افزایش توانایی یک کشور دارد و این موضوع به وضوح در مورد کشورهای که این توانایی را دارند قابل مشاهده است. یکی از موارد استفاده‌ای که انرژی هسته‌ای دارد تولید برق هسته‌ای است و با توجه به نیاز فزاینده‌ای که ایران به انرژی برق دارد و نیروگاه اتمی بوشهر تنها ۱۰۰۰ مگاوات برق را در صورت راه اندازی کامل تأمین می‌نماید. نه تنها احداث نیروگاه‌های دیگر

برای رفع روز افزون این نیازی ضروری است. بلکه این کشور در پی تکمیل فرایند غنی سازی داخلی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی بوده است. محمد جواد ظریف (در حال حاضر وزیر امور خارجه ایران و مذاکره کننده هسته‌ای ایران) معتقد است "برنامه هسته‌ای ایران نه بلند پروازانه است و نه از لحاظ اقتصادی غیر قابل توجیه، چون تنوع استفاده از انرژی‌هایی مانند انرژی هسته‌ای، تنها استراتژی ایران در تامین انرژی است. وی می‌گوید: "بررسی واقعیات عینی، نیاز ایران به منابع جایگزین انرژی فسیلی، از جمله انرژی هسته‌ای را مشخص می‌کند". با توجه به این مسئله ایران در نظر دارد به تولید ۲۰,۰۰۰ مگاوات برق هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ دست یابد اگر چنین چیزی تحقق یابد ایران می‌تواند ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام در هر سال و یا سالانه نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار را صرفه جویی کند (http://www.wideasleepinamerica.com:2015).

دسترسی به انرژی هسته‌ای به عنوان یک پارادایم، باعث انبساط و انقباض مرزهای ژئوپلیتیکی ایران شده و چالش‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی ایران را در منطقه خلیج فارس - که در نیم قرن اخیر تابعی از کاهش یا افزایش قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی ایران بوده است، متحول کرده است، به نظر می‌رسد رویکرد مدبرانه به سرچشمه‌های قدرت و از جمله انرژی هسته‌ای، می‌تواند به گسترش مرزهای ژئوپلیتیکی و بالا رفتن جایگاه ایران در عرصه‌های بین‌المللی بینجامد و موجب تحول در بسیاری از چالش‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی ایران به ویژه در منطقه خلیج فارس شود (احمدی پور، ۱۳۹۲).

تأثیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر همگرایی در منطقه خلیج فارس

مسأله دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای از بدو شدت گرفتن آن از سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ با عکس‌العمل‌های متفاوتی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای مواجه شده است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که اساس تشکیل این شورا را در سال ۱۹۸۱ به دلیل اهداف امنیتی گذاشته بودند. در واکنش به دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای موضع خود را به موضع غرب نزدیک کرده و همزمان نیاز به تشکیل اتحادی امنیتی را در بین خود احساس کرده‌اند. در واقع عربستان به همراه دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سعی کرده است طی سالهای اولیه گذشته در قبال موضوع هسته‌ای ایران موضعی در مخالفت کامل با برنامه‌های هسته‌ای ایران اتخاذ نکند، اما سیاست هسته‌ای کشورهای منطقه خلیج فارس، با برجسته‌تر شدن فعالیت هسته‌ای ایران از سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۲ و موفقیت آن در دستیابی

به تکنولوژی چرخه کامل سوخت هسته‌ای، شکل تازه‌ای به خود گرفت. در سال ۱۳۸۴ اولین بار بود که در نشست سالانه شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای عضو نگرانی‌هایی را در این مورد (به بهانه‌های زیست‌محیطی و احتمال برخورد نظامی) ابراز کردند. تصمیم شورای همکاری خلیج فارس در مورد فعالیت‌های هسته‌ای مشترک بین اعضا که در نشست اخیر شورا اعلام شد، نشان از آن دارد که این کشورها (و به ویژه عربستان) نمی‌خواهند رقابت را حتی در این زمینه نیز به ایران واگذار کنند (دهقانی، ۱۳۸۵).

در پژوهش حاضر مسأله فعالیت‌های هسته‌ای ایران و فرافکنی غرب در مورد آن به عنوان متغیر مستقل و همگرایی امنیتی بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان متغیر وابسته فرض شده است. کشورهای حوزه خلیج فارس، به این درک رسیده‌اند که پیشبرد توان هسته‌ای ایران به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی قدرت ملی آن کشور بوده و نتایج کوتاه مدت و بلند مدت آن را نمی‌توان نادیده گرفت و واضح است که در صورت شدت گرفتن مسأله هسته‌ای ایران این کشورها فاقد سیاست مشخص و واضح در تعامل با این مسأله هستند.

در این راستا عبدالرحمن عطیه دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس گفته است که برنامه هسته‌ای ایران با توجه به درخواست‌های ما از جامعه بین‌المللی مبنی بر عاری‌سازی خاورمیانه و علی‌الخصوص خلیج فارس از تسلیحات هسته‌ای و کشتار دسته جمعی هیچ‌گونه دلیل توجیه کننده‌ای ندارد. مسأله مهمتر از مواضع یکسان اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مورد این یا آن موضوع منطقه‌ای خریدهای تسلیحاتی کلانی است. که در سالهای اخیر کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی انجام داده‌اند به گونه‌ای که یکی از این قراردادهای اخیر خرید تسلیحات عربستان از ایالات متحده بزرگترین قرارداد خرید تسلیحات در تاریخ روابط دو کشور است. در کنار یکسان‌سازی سیاست‌های امنیتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قبال موضوعات منطقه‌ای، روند اتخاذ سیاست دفاعی مشترک قرارداد که تقریباً در تمام بیانیه‌ها در اجلاس سران شورا به تشکیل ارتش مشترک و اتخاذ سیاست‌های امنیتی مشترک در قبال موضوعاتی تروریسم، قاچاق، امنیت مرزها و ... تأکید شده است (دوست محمدی، ۱۳۸۹).

با وجود تأثیر محدودکنندگی افکار عمومی بر سیاست سران کشورهای خلیج فارس در قبال برنامه هسته‌ای ایران و اتخاذ مواضع مخالفت‌آمیز صریح در این مورد، محوری بودن منطق توازن قوا در نگاه دولتمردان، به اظهار نگرانی آنها در خصوص مسئله هسته‌ای ایران منجر شد.

این اظهار نگرانی از سال ۲۰۰۵، به تدریج شکل جدی‌تری به خود گرفت و سرانجام به دیپلماسی فعالانه‌تر شورای همکاری در قبال برنامه هسته‌ای ایران در سال‌های بعدی منتهی شد. با این حال محورهای اصلی راهبرد کشورهای شورا در قبال مسئله هسته‌ای ایران یعنی تکیه به دیپلماسی و اعمال فشارهای بازیگران و سازمان‌های فرامنطقه‌ای، اتکاء به توانایی نظامی - امنیتی آمریکا در منطقه، جلوگیری از گسترش دامنه تخاصم و تنش با ایران و در نهایت جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، همچنان تداوم دارد (اسدی، ۱۳۸۷).

انرژی هسته‌ای ایران و چالش‌های پیش رو

آشکار شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران با واکنش نهادهای بین‌المللی همراه بود. اولین قطعنامه شورای حکام در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر شد و پس از صدور چندین قطعنامه دیگر مطابق بند ۸ آخرین قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در فوریه ۲۰۰۶ مبنی بر ارائه گزارش مدیرکل در خصوص پایبندی ایران به مفاد قطعنامه‌ها و متعاقب گزارش منفی مدیر کل، در مارس ۲۰۰۶ پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت رفت. موضوع هسته‌ای ایران پس از پردازش گسترده در ابعاد، روانی، تبلیغاتی و سیاسی، از سوی دولت‌های غربی به طور برجسته‌ای بزرگ‌نمایی شد. پیشتر از آن نیز هم آمریکا و هم اسرائیل به ویژه از سال ۱۳۷۱، مدعی تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های اتمی شده بود. بر این اساس تلاش ایران برای دستیابی به فناوری مسالمت‌آمیز چرخه سوخت هسته‌ای، در انظار عمومی جهان به تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی تعبیر گردید (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

نگرش اعضای شورای همکاری خلیج فارس به پیامدهای امنیتی- سیاسی ایران هسته‌ای

تحلیلگران سیاسی کشورهای عضو شورا همکاری خلیج فارس در مورد برنامه هسته‌ای ایران دو دیدگاه کلی دارند. گروه نخست فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تهدیدی استراتژیک برای خود می‌دانند و معتقدند که هدف اصلی ایران از تعقیب برنامه هسته‌ای، تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و تسلط بر منطقه خاورمیانه می‌باشد. این گروه بر این اعتقادند که هسته‌ای شدن ایران ضمن تغییر موازنه منطقه‌ای به سود ایران، موجب تشدید رقابت

تسلیماتی در سطح منطقه خواهد شد، گروه دوم بر این اعتقادند که ج.ا. ایران تا کنون انحرافی از مقررات بین‌المللی نداشته و بارهای مقامات مذهبی و سیاسی این کشور نظیر رهبر انقلاب از دستیابی به سلاح هسته‌ای استقبال نموده. آنها معتقدند که کشورهای عربی بیش از آنکه نگران ایران باشند باید نگران اسرائیل هسته‌ای که تهدید کننده امنیت منطقه‌ای است باشند (اشلقی، ۱۳۸۵: ۴۸).

مابین ایران و این کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مسائل بسیاری مطرح بوده است در چند سال اخیر مسئله جزایر ایرانی همواره از محورهای بحث کشورهای غرب خلیج فارس بوده است. عملاً شورای همکاری خلیج فارس در همه بیانیه‌های خود بر مالکیت کشور امارات بر این جزایر تأکید کرده است. و بنابراین تنش بین ایران و دول شورای همکاری خلیج فارس یک مسئله سابقه دار بوده است و این تنش با هر پیشامدی تشدید می‌شود و یکی از این موارد فعالیت‌های مسالمت‌آمیز هسته‌ای ایران است (بولتن ویژه، ۱۳۸۱).

و با اینکه برخی از گروه‌ها در ایران، کشورهای عربی و حتی در اسرائیل دستیابی ایران به سلاح اتمی را تحول مثبتی برای صلح خاورمیانه می‌دانند این مسئله موجب حل و فصل اختلافات اسرائیل با اعراب می‌خوانند لکن کشورهای عضو شورا با صراحت اعلام نموده‌اند در صورتی که جامعه بین‌المللی نتواند مانع از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای گردد رقابت تسلیحاتی آن هم از نوع هسته‌ای در میان کشورهای منطقه اجتناب ناپذیر خواهد بود. در این راستا کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کشورهایی هستند که از فرستادن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت طرفداری نمودند. این کشورها خواهان اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر ایران و البته اجتناب از گزینه نظامی شده‌اند. علت نگرانی کشورهای عضو شورا از راهکار نظامی ترس از پیامدهای احتمالاً فاجعه بار آن در سطح منطقه است. این کشورها بر این باورند که راه حل نظامی علیه ایران منطقه را به شکل بی‌ثبات خواهد کشاند. رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مراحل اولیه امیدوار بودند که با طرح ایده‌هایی ایران را وادار به پذیرش متوقف نمودن غنی‌سازی اورانیوم نمایند. این تلاش‌ها شامل اعلام طرح خاورمیانه‌سازی از تسلیحات هسته‌ای و طرح کنسرسیوم‌های هسته‌ای مشترک می‌شد. که به شکل موازی با دیپلماسی کشورهای غربی مورد پی‌گیری قرار گرفت. هدف نهایی این ایده‌ها و طرح‌ها اعمال فشار بیشتر بر ایران برای کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم بود که البته هیچ کدام از این موارد مورد پذیرش ایران قرار نگرفت (ترابی، ۱۳۹۱).

- در ذیل برخی از مواضع شورای همکاری و برخی از کشورهای تأثیرگذار عرب را مرور می‌کنیم:
- (۱) وزرای خارجه در نشست دوره ای شورای همکاری خلیج فارس در جده (۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴) خواستار عاری نمودن منطقه خاورمیانه از همه انواع تسلیحات کشتار جمعی شدند.
- (۲) شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی بیست و پنجمین اجلاس سران شورای همکاری در "منامه" برنامه هسته ای ایران را نظامی توصیف کردند.
- (۳) در اجلاس سران شورای همکاری در ابوظبی که در بیست و هفتم و بیست و هشتم آذر ۱۳۸۴ برگزار شد، این کشورها از برنامه های ایران ابراز نارضایتی کردند و خواستار به کار بستن شیوه مسالمت آمیز یعنی دیپلماسی اروپایی جهت بازداشتن ایران از دستیابی به فناوری هسته ای شدند.
- (۴) "عزیز جبر شیال" استاد عراقی دانشگاه بغداد در یک سخنرانی در شانزدهمین همایش بین المللی خلیج فارس در دانشگاه تهران اظهار داشت که مسئله هسته ای ایران می تواند توازن سنتی قوا در منطقه خلیج فارس را تغییر و ترتیبات امنیتی نوینی را برای آینده با محوریت ایران ایجاد نماید. البته وی بیان داشت که این تغییر موازنه، واکنش تند اعراب حوزه خلیج فارس را در پی دارد.
- (۵) در ماه می ۲۰۰۵ وقتی که دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی ایران آقای حسن روحانی به کشورهای شورای همکاری سفر نمودند، "ریچارد لبارون" سفیر آمریکا در کویت از دستیابی ایران به فناوری هسته ای غیرمتعارف انتقاد کرد.
- (۶) در ژانویه سال ۲۰۰۵ عبدالرحمن العطیه دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس اظهار داشت که عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو شورا هیچ گونه توجیهی برای فعالیت های هسته ای ایران نمی بینند و این اقدامات ایرانی ها نوعی ماجراجویی برای همه مردمان منطقه خلیج فارس قلمداد می شود.
- (۷) سعود الفیصل وزیر خارجه سعودی در سخنرانی در شورای روابط خارجی آمریکا خواستار دخالت این کشور در برابر خواست ایران که موازنه قدرت را در منطقه به هم زده، شد.
- (۸) کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برنامه های ایران را در وهله نخست در قالب تهدیدی زیست محیطی ارزیابی نمودند. مثلاً یک روزنامه نگار سعودی خاطرنشان ساخت که راکتور هسته ای بوشهر بیشتر به منامه و دوحه نزدیک است تا تهران.

۹) با هدف نشان دادن خطر زیست محیطی فعالیت‌های هسته‌ای ایران وزیر کشور امارات متحده عربی قبل از دیدار رایس از منطقه و در راستای اظهارات مقامات کویتی و عربستانی، کمک جامعه بین‌المللی در برابر خطر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و هشدار نسبت به خطر زیست محیطی نیروگاه بوشهر را خواستار شد.

۱۰) بعد از مرحله زیست محیطی به مرحله امنیتی شدن مسئله هسته‌ای ایران می‌رسیم. مثلاً در راستای مطرح شدن دستیابی ایران به چرخه کامل سوخت هسته‌ای، فرمانده هوایی و دفاعی امارات متحده عربی در آغاز سال ۲۰۰۵ در سخنانی در مجله نیوزویک اظهار داشت «سپر موشکی شورای همکاری برای اجرا به دو مرحله نیازمند است، مرحله اول گسترش سامانه دفاعی موشکی در سطح ملی و مرحله دوم که در آینده خواهیم دید تکامل این سامانه در چارچوب شبکه دفاعی منطقه‌ای است».

۱۱) در خصوص امنیتی جلوه دادن مسئله هسته‌ای ایران وزیر دفاع بحرین در سخنانی در مجله نیوزویک مدعی شد که ایالات متحده بایستی نقش عملی و آشکار را در سامانه دفاعی موشکی آینده در خلیج فارس به عهده گیرد.

۱۲) با اقدام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در فوریه ۲۰۰۶ به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس گفت که ما با این اقدام مخالف نیستیم. وی پس از تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران و رای مثبت قطر در شورای امنیت به قطعنامه مزبور ابراز خرسندی کرد. (خبرگزاری فارس، برنامه هسته‌ای ایران و شورای همکاری خلیج فارس: ۱۳۸۷)

تغییر سیاست هسته‌ای اعضای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷

در دوران بعد از ۲۰۰۷، با تداوم موفقیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و ناتوانی غرب و شورای امنیت در متقاعد ساختن این کشور برای کنار گذاشتن چرخه‌ی سوخت، کشورهای عربی تحت تأثیر راهبرد هسته‌ای جدید آمریکا، سیاست خود را در قبال ایران تغییر دادند از این سال به بعد کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس برای اعمال فشار بیشتر به جمهوری اسلامی ایران از طرح الگوی آمریکا در منطقه حمایت نمودند.

با این وجود نه تنها در جهت همکاری و تعامل با ایران قدم برنداشته‌اند بلکه سعی در جلوگیری از موفقیت برنامه هسته‌ای این کشور و تحریک کشورهای خارجی به اعمال فشار بیشتر برای متوقف نمودن برنامه هسته‌ای ایران در تلاش هستند. تقریباً در این سال‌ها بود که

کشورهای عربی به خاطر اعمال فشار بر ایران تمایل خود را به برنامه هسته‌ای اعلام می‌دارند. کشورهای منطقه به شدت نگران افزایش توان و قدرت جمهوری اسلامی ایران هستند و تحولات منطقه‌ای را به سود ایران ارزیابی می‌کنند. ضمن اینکه رویدادهای چند سال گذشته توازن قوای منطقه را به سود ایران بر هم زده است و رهبران کشورهای عربی نمی‌خواهند با هسته‌ای شدن ایران، توازن به شکل کامل به ضرر آنها تغییر کند. رهبران کشورهای عربی از تحولات حادث شده طی یک دهه گذشته در منطقه نگران هستند، آنها حمله آمریکا به افغانستان و عراق را از جمله اقداماتی می‌دانند که توازن قوای منطقه را به ضرر کشورهای عربی و به سود ایران تغییر داد. حمله آمریکا به افغانستان منجر به برکناری طالبان دشمن جمهوری اسلامی ایران شد. همین مساله باعث شد که افغانستان از یک کشور تهدید کننده به یک کشور دوست برای ایران تبدیل شود و هم چنین کشور عراق که رژیم بعث دشمن جدی ایران بود با روی کار آمدن شیعیان به دوست جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. وضعیت در لبنان با روی کار آمدن حزب الله به این منوال است (ترابی، ۱۳۹۱).

پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران بر روابط سیاسی - امنیتی اعضای شورای همکاری

خلیج فارس با ایالات متحده آمریکا

یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یافتن اقتصاد در عرصه جهانی است، از اینرو مناطقی که از نظر ژئواکونومیک موقعیت بهتری دارند، دارای اهمیت بیشتری هستند. از این لحاظ به نظر می‌رسد هر کشوری که بر خلیج فارس تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود در واقع منطقه خلیج فارس افزون بر دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز، از نظر موقعیت جغرافیایی و همچنین نظام‌های سیاسی محصور کننده آن، دارای اهمیت منطقه‌ای و جهانی است. این منطقه به دلیل اهمیت‌هایی که دارد جزء اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا است. با حضور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، آمریکا افزون بر تلاش برای نقش آفرینی موثرتر در مسائل انرژی، تلاش بی‌وقفه‌ای را جهت اثبات سلطه خود انجام داده است، بنابراین منطقه خلیج فارس هم از این نظر که ماده اولیه صنایع سنگین آمریکا را تامین می‌کند و هم از این بابت که مهمترین دشمن ظاهری آمریکا را در خود جای داده است، دارای اهمیت دوچندانی در سیاست خارجی این کشور می‌باشد.

خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، از حساس‌ترین و با اهمیت‌ترین مناطق جهان است. این اهمیت تا حد زیادی به منابع انرژی و رقابت‌ها در این منطقه ارتباط دارد. به گونه‌ای که می‌توان میان سلطه آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و منافع این کشور در خلیج فارس ارتباط مستقیمی برقرار کرد. آمریکا در خلیج فارس چند نوع منافع دارد که گاه این منافع با یکدیگر همپوشانی دارند. منافع ثابت این کشور در خلیج فارس، تامین نفت اقتصاد دنیای صنعتی است. حفظ رژیم صهیونیستی، جلوگیری از ظهور قدرتی منطقه‌ای و حفظ ساختار محافظه کار کشورهای حاشیه خلیج فارس از مواردی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به منافع جهانی و منطقه‌ای آمریکا مربوط می‌شود (جالینوسی، ۱۳۸۵: ۲۵).

با وجود اینکه اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای امنیت خود چشم امید به روابط دفاعی دو جانبه با واشنگتن بسته‌اند و برنامه هسته‌ای ایران نیز در کوتاه مدت به تقویت پیوندهای سیاسی-امنیتی این کشورها با ایالات متحده منجر خواهد شد. اما نهایه شدن پروژه هسته‌ای ایران شکافی عمیق را در روابط منطقه‌ای آمریکایی-عربی نمایان خواهد ساخت. و گرایشاتی را به سوی ایجاد اتحاد و وابستگی منسجم‌تر منطقه‌ای با حضور تمامی کشورهای همکاری خلیج فارس به وجود خواهد آورد. که این امر نقش ایالات متحده را به عنوان تنها ضامن امنیت منطقه زیر سوال خواهد برد.

به نظر می‌رسد بدنبال آن باید منتظر تشنجاتی در منطقه خاورمیانه باشیم. چون اعضای شورای همکاری خلیج فارس که از حمایت‌های همه جانبه ایالات متحده نا امید شوند، مسلماً بدنبال افزایش نقش خود در تحولات منطقه خواهند بود این موضوع را می‌توان در دخالت اعضای شورا چه به صورت انفرادی در سوریه و چه به صورت گروهی در یمن بوضوح مشاهده کرد. البته این را باید در نظر داشت که دیدگاه منفی اعضای شورا ریشه در دیپلماسی رسانه‌ای و جنگ روانی ایالات متحده آمریکا دارد که سعی بسیار کرده تا با ایجاد تفرقه-تردید، تحریک عواطف و احساسات رعب و وحشت در سطح منطقه در حقانیت حقوق هسته‌ای ایران شبهه نماید. تا بدین طریق به راحتی بتواند مدیریت ترتیبات امنیتی در منطقه خلیج فارس را براساس هژمونی خویش بنا سازد.

علل مخالفت آمریکا با فناوری هسته‌ای ایران

ایران برنامه هسته‌ای خود را در اوایل ۱۹۸۰ جهت تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای شروع کرد و تاسیسات غنی‌سازی خود را راه‌اندازی کرد و با اینکه همیشه تأکید کرده است که هیچ علاقه‌ای به سلاح‌های هسته‌ای ندارد با مخالفت کشورهای مثل آمریکا مواجه شده است. در واقع ایران به ماده چهارم از NPT استناد می‌کند که همه امضاء کنندگان این پیمان "نه تنها غنی‌سازی بلکه حق تبادل تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فناوری برای استفاده‌های صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را دارند" بلکه حتی کشورهای هسته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، موظف به کمک به کشورهایی همچون ایران هستند (<http://www.wideasleepinamerica.com/2015>)

لکن همواره تلاش آمریکا برای عدم استفاده ایران از فن آوری هسته‌ای بوده است. گرچه با وجود این واقعیت است که در سالهای اولیه انقلاب و در بحبوحه جنگ ایران و عراق وزارت امور خارجه آمریکا اقرار کرد که "ایران هیچ توافق‌نامه‌ای را رد نکرده است و هیچ نقض تعهدی نداشته است. در همان سال، هانس بلیکس و پس از آن، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، تصریح کردند در مورد تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای "هیچ دلیلی برای نگرانی وجود ندارد" و در سال ۱۹۹۲، از بازرسی و نظارت IAEA در ایران هیچ شواهدی از فعالیت‌های هسته‌ای غیر قانونی در بر داشت. پس از بازدید از سایت‌های هسته‌ای متعدد، بازرس ارشد "جان" اعلام کرد که هر آنچه را که آنها دیده‌اند برنامه صلح آمیز انرژی هسته‌ای بوده است "ما بدون هیچ محدودیت همه جاکه از ما خواسته شده بود برای دیدن سفر کردیم و همه فعالیت‌های هسته‌ای که در ایران هستند صرفاً برای اهداف صلح آمیز است" (<http://www.wideasleepinamerica.com/2015>).

دلایل مخالفت‌های آمریکا با دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای: آمریکا تا کنون چند فرض را ارائه کرده است که نمی‌توان آنها را وارد دانست. فرض اول آمریکا این است که چرا ایران با داشتن مخازن نفت و گاز به دنبال سوخت اتمی می‌رود و در واقع صلح آمیز و اقتصادی بودن آن را زیر سوال می‌برد. فرض دوم آن است که ایران در پی ساختن سلاح اتمی است فرض سوم این است که چرا ایران پنهان کرده است. در پاسخ چنین می‌توان گفت که ایالات متحده هم دارای مخازن نفت و گاز بوده ولی همزمان به سمت ایجاد نیروگاه‌های اتمی خود می‌باشد، از سویی چه اتحاد شوروی سابق و چه روسیه امروزی نیز با وجود دارا بودن منابع

نفت و گاز از سوخت اتمی استفاده می‌کند. شاید نگرانی آمریکا از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ناشی از وضعیتی است که ایران نسبت به اسرائیل دارد. در صورتی که اگر ایران بدنبال توان هسته‌ای بازدارنده باشد آن قدر عقلانیت در حاکمیت ایران موجود است که بداند در صورت کسب چنین توانمندی، با جبهه‌گیری منفی و شدید نه تنها آمریکا و اسرائیل بلکه با اکثر کشورهای جهان مواجه خواهد شد (میثمی، ۱۳۸۵).

واقعیت این است که دیدگاه آمریکایی معتقد است ایران یک کشور رادیکال اسلامی و بنیادگر است که قصد رهبری جهان اسلام و عرب در مقابل غرب و نه کنار آن را دارد و می‌خواهد نظم کنونی حداقل در خاورمیانه را به چالش بکشد. و برای کسب چنین قدرتی، ایران سعی کرده است در عرصه نظامی به سمت کسب سلاح اتمی گام بردارد. سلاح هسته‌ای برای ایران هم جنبه ی بازدارندگی دارد و هم پیدا کردن قدرت. بنابراین از آنجا که نگاه آمریکا به مسئله هسته‌ای ایران امنیتی- سیاسی است. محروم ساختن ایران از کلیت دانش هسته‌ای، مطلوب‌ترین سناریوی پیش روی این کشور است (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۷).

با توجه به اینکه کشور ایالات متحده در منطقه خلیج فارس همیشه به دنبال منافع خود بوده است و همیشه سعی داشته است ترتیبات امنیتی خاصی در منطقه ایجاد کند. پر واضح است از آنجایی که طرفداران استفاده از توازن قدرت در خلیج فارس استدلال می‌کنند که واشنگتن باید بدنبال سیاستی باشد که به هیچ بازیگر منطقه ای اجازه ندهد تا به دنبال دستیابی به برتری باشد و این سیاست را لازمه تضمین جریان آزاد انرژی و همگام با منافع آن کشور می‌دانند (<http://belfercenter:2015>) بعلاوه آمریکا به دلایل ذیل با برنامه هسته‌ای ایران در منطقه مخالف است: ۱- اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، ۲- ترس از شکل‌گیری بلوک قدرت در جهان اسلام، ۳- نگرانی از توسعه درون زای ایران. آمریکایی‌ها همواره بیم آنرا دارند که اگر ایران به تکنولوژی هسته‌ای دست یابد گرایش به تولید سلاح هسته‌ای پیدا کند و این سلاح می‌تواند امنیت اسرائیل را به صورت جدی تهدید کند و کشورهای همسایه ایران به ویژه عربستان و ترکیه را وادار کند برای جلوگیری از هژمونی منطقه‌ای جمهوری اسلامی به سوی هسته‌ای شدن گام بردارند. این رقابت ممکن است نظم منطقه‌ای و احیاناً نظم‌های فرمانطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. از نظر ایالات متحده رخ دادن هر یک از این حالت‌ها (تهدید اسرائیل یا رقابت برای هسته‌ای شدن) می‌تواند دکترین منطقه ایالات متحده را که مبتنی بر توازن وحشت به نفع اسرائیل است را به هم بزند. اسرائیل در دکترین امنیتی آمریکا عمق استراتژیک

این کشور در خاورمیانه به شمار می‌رود که تهدید آن تهدید خاک آمریکا انگاشته می‌شود و لاجرم از خطوط قرمز امنیتی است (قدر ولایت، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

هدف آمریکا از امنیتی کردن و تشدید فشار بر ایران، خطر بالقوه جمهوری اسلامی ایران برای بسط سلطه نهایی ایالات متحده در جهان پر از هرج و مرج کنونی و یگانه بودن ابرقدرتی آمریکا برای قرن آینده می باشد. می‌توان هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا در مقابل ایران را تغییر رژیم دانست که فعالیت‌های هسته‌ای ایران و امنیتی کردن آن بهانه‌ای برای دستیابی به این هدف است؛ چرا که تفاوت‌های هویتی میان ایران و نظام حاکم بر آمریکا، اجازه سازش در مورد بسیاری از سیاست‌ها را نمی‌دهد.

بررسی مواضع کشورهای اسلامی و عربی منطقه در قبال موضوع هسته‌ای ایران

اتحادیه عرب در اوایل سال ۱۳۸۵ دچار دو دستگی در مواضع خود نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران شد، در حالی که عمروموسی، دبیرکل این اتحادیه، پیشتر از رهبران امارات متحده عربی، کویت، عربستان سعودی، عمان، بحرین و قطر خواسته بود که به جای فشار و تمرکز بر ایران روی تسلیحات هسته‌ای اسرائیل نیز متمرکز باشند و از اعمال استانداردهای دوگانه بپرهیزند. برخی کشورهای نزدیک به ایران چون کویت و امارات بر موضوعات امنیتی تمرکز داشته و نگران برنامه‌های هسته‌ای ایران بوده‌اند. گرچه برخی نخبگان عرب بر این باورند که اگر ایران به انرژی هسته‌ای دست یابد هر چند که موازنه قوا را به نفع خود تمام می‌کند اما از طرفی دیگر می‌تواند در مقابل رژیم صهیونیستی نیز قدم علم کند و از تجاوزهای رژیم صهیونیستی جلوگیری کند (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۹۱).

نگاه غالب در بین کشورهای محافظه کار عربی این است که تاکید بر موازنه قوا متضمن حفظ ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس است بر این اساس سعی در پیشبرد اهدافی را دارند تا این توازن قوا حفظ شود.

رژیم‌های محافظه کار عرب در منطقه هدف اصلی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را علیه خود می‌دانند و به دست آوردن سلاح هسته‌ای را بر هم زدن تعادل سنتی نه تنها در خلیج فارس بلکه در خاورمیانه که می‌توان گفت در سال‌های گذشته به نفع این کشورها سنگینی می‌کرده، برآورد می‌کنند (<http://belfercenter:2015>)

به‌رغم تردید اندک مقامات خلیج فارس در جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران، نگاه نخبگان علمی و محافل پژوهشی این کشورها در این خصوص، اغلب دوگانه بوده است. از یک طرف آنان تمایل دارند که با توجه به سیاست‌های سلطه‌طلبانه اسرائیل در منطقه و اقدامات آن کشور در مورد مسئله فلسطین، جمهوری اسلامی ایران بتواند به نوعی بازدارندگی اتمی در مقابل اسرائیل نایل آید و با اقدامات تاکتیکی و استراتژیکی خود سلاح هسته‌ای را در آموزه دفاعی ایران وارد نماید، و از طرف دیگر معتقدند با توجه به وزن سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و جغرافیای سیاسی، برنامه اتمی و موشکی ایران، در صورت گسترش برنامه هسته‌ای آن، این خطر وجود دارد که ایران به طور کامل بر دولت‌های خلیج فارس سیطره پیدا کند (اسدی، ۱۳۸۷).

همسایگان ایران در همراهی با قدرت روبه رشد این کشور و در عین حال تلاش برای همکاری امنیتی بیشتر با ایالات متحده دچار تردید شده‌اند، همانند جنگ لبنان، دولت‌های عرب نمی‌خواهند تهران و مردم ضد آمریکایی خود را تحریک کنند، در عین حال این دولت‌ها از تکبر، غرور و نیز قدرت ایران در صورت سیطره بر منطقه هراس دارند در چنین وضعیتی که نسبت به توانمندی‌های هسته‌ای ایران تردید وجود دارد. باید استراتژی‌های همکاری جویانه محتاطانه‌ای برای لحاظ کردن قدرت و نفوذ ایران به وجود آید. ایالات متحده و همسایگان ایران باید یک سیستم نظارتی جهت کنترل تمام تحرکات هوایی ایران و ارسال موشک‌های بالقوه ایجاد نمایند (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

موضع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در خصوص برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

وقتی در ژوئن سال ۲۰۱۳ حسن روحانی رئیس جمهور ایران انتخاب شد، واکنش اولیه در حوزه خلیج فارس و به خصوص در عربستان سعودی خوشبینی محتاطانه بود و در واقع اعراب با مثل معروف خود یعنی گوسفند یا گرگ؟ و با احتیاط با این مسئله برخورد کردند. تحولات بعدی نیز برای سعودیها امیدوار کننده بود ولی هنگامی که در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ (۵ مهر ۱۳۹۲) اوباما و روحانی تلفنی صحبت کردند به تعبیر رشید "از طرف اعراب تماسی که خاورمیانه را تغییر داد معنا شد" و در ادامه، ژست‌های سیاسی اعراب مثل سفر امیر صباح الصباح حاکم کویت به تهران در ماه مه ۲۰۱۴ و انعقاد یک توافقنامه تجارتي، یا فرستادن دعوت نامه برای رئیس جمهور ایران از جانب عربستان و انتصاب سفیر جدید ایران بیشتر یک ژست سیاسی بود

و واقعیت این بود که راه درازی در پیش است تا روابط ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس بخصوص تهران-ریاض عادی شود (<http://www.ecfr.eu:2015>).

با امضای برجام میان ایران و ۵+۱ کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به صورت علنی از آن استقبال کردند اما نگرانی‌هایی نیز از پیامدهای آن، نظیر گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارند. چراکه این توافق امکان دستیابی تهران به منابع مالی بلوکه شده خود را فراهم می‌سازد و به همین دلیل، مورد خوشایند برخی از کشورهای عربی منطقه نیست. در واقع رهبران عربی، مذاکرات هسته‌ای ایران و ایالات متحده را ادامه سیاست مداخلات باراک اوباما در قبال ایران توصیف می‌کنند که با خروج نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ میلادی شروع و با عدم حمله نظامی به سوریه تداوم یافت و طبق این دیدگاه با عقب نشینی آشکار و پذیرش حق غنی‌سازی هسته‌ای در خاک ایران تکمیل گردید. البته قابل ذکر است که در مواضع ۶ کشور عضو شورا نیز تفاوت‌های بارزی در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران و سند منتج از آن (برجام) مشاهده می‌شود. در حالی که عمان میزبانی چندین دور از گفتگوهای هسته‌ای را بر عهده داشت و به ایفای نقش میانجیگری میان ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای پرداخت، عربستان سعودی از همان ابتدا مخالفت خویش را با حل و فصل کامل بحران هسته‌ای ایران اعلام کرده بود. بخش زیادی از این مخالفت، ناشی از هراس سعودی‌ها و سایر شیخ نشین‌های خلیج فارس از اجرایی شدن راهبرد کلان احاله مسئولیت آمریکا در منطقه خاورمیانه است. در واقع، متحدین وابسته واشنگتن در خلیج فارس بیم آن را داشتند که توافق هسته‌ای ایران تسهیل‌کننده تغییر جهت راهبردی ایالات متحده از خاورمیانه به سمت آسیا - پاسفیک باشد. و به همین دلیل، قبل از نهایی شدن برجام، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا مجبور شد تا سران عربی کشورهای خلیج فارس را به نشست کمپ دیوید دعوت نموده و به آن‌ها قول حمایت بیشتر در مقابل ایران و فروش تجهیزات نظامی پیشرفته‌تر را بدهد (یزدان پناه، ۱۳۹۴). می‌توان گفت، همانگونه که انتظار می‌رفت با دستیابی به برنامه جامع اقدام مشترک، فضای بازتری برای مانور سیاسی ایران در منطقه خاورمیانه فراهم شده است. به همین دلیل رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران به دنبال بزرگنمایی امتیازات کسب شده کشورمان در متن برجام هستند و تمام تلاش خود را در جهت ممانعت از اجرای موفقیت آمیز آن به کار بسته‌اند. از این رو ابراز ناخشنودی مقامات عربی و صهیونیستی از حفظ تاسیسات هسته‌ای تهران طبق توافق و آزاد شدن منابع مالی بلوکه شده ایران در نتیجه اجرایی شدن برجام به محورهای مخالفت

دشمنان منطقه‌ای برجام تبدیل شده اند. و با اینکه ایالات متحده و امارات در سال ۲۰۰۹ به توافقی دست یافتند که بر اساس آن دو طرف مواد، فناوری و تجهیزات هسته‌ای را به اشتراک خواهند گذاشت. طبق این توافق - که به توافق ۱۲۳ مشهور شده است - امارات متعهد شده است به دنبال غنی‌سازی اورانیوم و یا بازفرآوری سوخت مصرفی با هدف استخراج پلوتونیوم از آن نرود. ولی بدنبال توافق برجام بود که اظهار نظرهای مختلفی از طرف مقامات کشورهای حوزه خلیج فارس ابراز شد مثلاً یوسف العتیبه، سفیر شیخ‌نشین امارات متحده عربی به اد رويس، نماینده جمهوری خواه ایالت کالیفرنیا و رئیس کمیته روابط خارجی در مجلس نمایندگان این کشور گفته است که امارات نیز احتمالاً به دنبال کسب حق غنی‌سازی اورانیوم خواهد رفت، زیرا توافق هسته‌ای با ایران، چنین حقی را به ایران داده است و امارات تنها کشور (خواهان این حق) نیست. با وجود این، رويس اضافه کرده، العتیبه در تماس با وی مدعی شده که امارات دیگر احساس نمی‌کند به تعهدات توافق میان آمریکا و کشور خود پایبند بماند. رويس مدعی شده، هرچند العتیبه صریحاً از کنار رفتن از آن توافق سخن نگفته نکته مهم اینکه رويس و دیگر مخالفان توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ همواره مدعی بوده‌اند، توافق با ایران باعث شروع مسابقه برای دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای در منطقه خاورمیانه خواهد شد (۱۳۹۴: <https://www.tabnak.ir/fa/news/>).

در واقع این رفتار در راستای عملکرد و دیدگاه منفی عربستان نسبت به مذاکرات هسته‌ای ایران و همچنین سخنان احتیاط‌آمیز ملک سلمان شاه سعودی پس از توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ در لوزان سوئیس در فروردین ماه امسال بود که گفت: دستیابی به توافق نهایی قدرت‌های جهانی با ایران، انتظار دارد موجب تقویت امنیت منطقه و جهان شود. این دیدگاه را به راحتی می‌توان در قالب دید امنیتی این کشور به عنوان بزرگترین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به موضوع و احساس خطر این کشور گنجانند. حتی امیر قطر که بیان کرد امیدوار است توافق اولیه به دست آمده امنیت و ثبات در منطقه را تأمین کند. ولی باز در همان جا بدلیل ترس‌هایی که از بعد امنیتی مسئله دارد بر مستحکم‌تر کردن روابط بین قطر و آمریکا تأکید و مجدداً بر خلع سلاح منطقه از سلاح‌های اتمی اشاره کرد (۱۳۹۴: <http://www.tasnimnews.com>).

البته خطر و فکر دیگری که اعراب خلیج فارس را مشغول کرده است این است که در عین حال که مذاکرات هسته‌ای جریان داشت، اعراب سنی در حال مشاهده وضعی بودند که اسد در سوریه در قدرت باقی مانده است، حزب الله به قدرت سیاسی‌اش در لبنان ادامه می‌دهد، دولت

جدید شیعه در عراق به قدرت رسیده است و حوثی‌ها کنترل یمن را در اختیار دارند. این مسائل علاوه بر اینکه افکار عمومی اعراب را نسبت به آمریکا منفی کرده است خطر فزاینده ایران و شیعه را برای کشورهای منطقه خلیج فارس که مؤزاتیکی از شیعه-سنی هستند آشکارتر کرده است. با توجه به این پیش‌فرض‌ها و افزایش نسبی قدرت چانه زنی ایران با غرب و آمریکا و افزایش قدرت ایران در منطقه نه تنها خطر امنیتی ایران برای کشورهای منطقه خلیج فارس کاهش نخواهد یافت بلکه رو به افزایش خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با نگاهی به انرژی هسته‌ای و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به بررسی تاثیر این برنامه بر توان این کشور، و همچنین بر امنیت منطقه خلیج فارس پرداخته شد. در ادامه به موضع‌گیری کشورهای منطقه‌ای به خصوص اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) در قبال فعالیت‌های مسالمت‌آمیز هسته‌ای ایران نیز مورد توجه قرار گرفت. با توجه به شاخه‌های جدید رهیافت واقع‌گرایی در سیاست بین‌الملل، نظریه موازنه قوا از توان تفسیر و تحلیل موضوع مورد بررسی برخوردار است. به عبارت دیگر همانگونه که بیان شد نگاه رئالیستی به طور کل و لحاظ کردن نظریه موازنه قوا در منطقه خلیج فارس می‌تواند، یکی از کارآمدترین تحلیل‌ها در بیان دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های موجود در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران در این منطقه باشد، بدین علت که منطقه خلیج فارس یک نظام امنیتی به شمار می‌رود که همه بازیگران سعی در تغییر موازنه به نفع خود می‌باشند.

ثبات در منطقه خلیج فارس، امروزه یک چالش بزرگ استراتژیک برای امنیت و اقتصاد جهانی است. وابستگی و اتکا به انرژی منطقه در هزاره سوم میلادی به شدت افزایش خواهد یافت. منطقه خلیج فارس از چند دهه گذشته در کانون مساله امنیت بین‌المللی بوده است و موقعیت ژئواستراتژیک، منابع عظیم انرژی، از مهمترین عوامل توجه به این منطقه محسوب می‌شود. اکنون مؤلفه‌ی جدیدی به نام فعالیت‌های هسته‌ای در حال ظهور است. همان‌طور که توضیح داده شد دستیابی ایران به فعالیت‌های مسالمت‌آمیز انرژی هسته‌ای، باعث افزایش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی این کشور می‌شود. بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان معتقدند که دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای قدرت ملی این کشور را افزایش داده و این امر می‌تواند روند تغییر نظام توازن قدرت در حوزه خلیج فارس را به نفع ایران تسریع نماید. توان هسته‌ای صلح

آمیز جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک متغیر اساسی می‌تواند دگرگونی‌هایی را در فضای امنیت منطقه خلیج فارس به عنوان یک منطقه ژئواستراتژیک ژئوپلتیکی شکل دهد. در این میان دستیابی به انرژی هسته‌ای که بیانگر شاخص توسعه است، کمک بزرگی به تقویت قدرت ملی و جایگاه ایران در منطقه خواهد کرد، زیرا ابزارهای کنترل و توسعه را در اختیار ایران قرار خواهد داد و این کشور مانند یک بازیگر وابسته و منفعل که متکی به انرژی‌های فسیلی است عمل نخواهد کرد. علاوه بر این در سطح منطقه‌ای، توان هسته‌ای ایران باعث می‌شود که ایران در آسیا به عنوان قدرت برتر ظهور کند. قدرت مطرح و برتر شدن ایران پیامدهایی در منطقه خواهد داشت. در وهله اول اسرائیل نخواهد توانست قدرت برتر و فعال مایشاء در منطقه باشد. و در مرحله دوم دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای و به رسمیت شناخته شدن این توانایی از جانب قدرت‌های تاثیرگذار در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در کیفیت مناسبات سیاسی ایران با کشورهای عربی خلیج فارس و امنیت منطقه تاثیرهای ویژه خود را خواهد داشت. و باعث بحران در ساختار ترتیبات امنیت منطقه‌ای که ایالات متحده طی چند دهه (بعد از وقوع انقلاب اسلامی) در منطقه به وجود آورده خواهد شد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به این خاطر که در مقابل فعالیت‌های هسته‌ای ایران با سیاست‌های ایالات متحده پیش می‌روند و تحت تاثیر القائنات این کشور هستند، از این نگرانی دارند که ایران هسته‌ای می‌تواند باعث بروز ناامنی در منطقه شده و به خاطر داشتن مرزهای مشترک زمینی و ... بروز احتمالی جنگ در این منطقه را افزایش دهد و همانگونه که کشورهای مثل عربستان، اسرائیل و امارات متحده حتی از حمله احتمالی کشور آمریکا یا اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت می‌کردند. ملاحظه می‌شود این کشورها چه قبل و چه پس از توافق برجام سعی دارند تا با پیش کشیدن برنامه‌هایی مثل خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای و ابراز نگرانی‌های آشکار و پنهان، فعالیت‌های ایران را هر چه بیشتر متوقف کنند.

رهبران عضو شورای همکاری خلیج فارس در مراحل اولیه امیدوار بودند که با طرح ایده‌هایی، ایران را وادار به متوقف نمودن غنی سازی اورانیوم نمایند این تلاش‌ها شامل اعلان طرح خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای و طرح کنسرسیوم هسته‌ای مشترک می‌شد، که به شکل موازی با دیپلماسی کشورهای غربی مورد پیگیری قرار گرفت. هدف نهایی این ایده‌ها و طرح‌ها، اعمال فشار بیشتر بر ایران برای کنار گذاشتن غنی سازی اورانیوم بود. که هیچ کدام از این ایده

ها با توجه به نادیده گرفتن حقوق تصریح شده در پیمان منع گسترش هسته‌ای مورد پذیرش ایران قرار نگرفت.

فارغ از این که کشورهای حوزه خلیج فارس معتقدند که ایران هسته‌ای می‌تواند در منطقه ادعای رهبری به سایر کشورها را بکند. و موازنه قوا را به نفع خود در منطقه تمام کند. با این بینش‌ها به نظر می‌رسد در آینده نیز این کشورها سعی خواهند کرد تا از هر طریقی در صدد کاهش فعالیت‌های هسته‌ای ایران برآیند، با این تحلیل‌ها و توضیحات می‌توان مدعی بود علاوه بر این که فرضیه تحقیق حاضر که اعتقاد داشت فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌تواند باعث تغییر ترتیبات امنیتی در منطقه شود و موازنه قوا را به نفع این کشور تمام کند، تأیید می‌شود. بلکه علاوه بر آن و بدنبال توافق نسبی ایران و ۱+۵ که به نوعی شاهد کاهش نقش سنتی شورای همکاری خلیج فارس در منطقه خواهیم بود، و با دخالت در اکثر موضوعات و مسائل منطقه خلیج فارس توسط کشورهایی همچون عربستان، قطر و حتی امارات متحده عربی که به این کاهش نقش خود در منطقه واقفند در آینده شاهد جبهه‌گیری‌ها و شاید تشنجات بسیاری در منطقه خلیج فارس خواهیم بود.

باید این را اضافه کرد که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به این درک رسیده‌اند که پیشبرد توان هسته‌ای ایران به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی این کشور بوده و نتایج کوتاه مدت و بلند مدت آن را نمی‌توان نادیده گرفت. البته این موضوع را باید در نظر گرفت که در صورت شدت گرفتن مسئله هسته‌ای ایران در آینده، چه به صورت مذاکره و چه انحای دیگر، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس همان‌طور که در سالهای گذشته نشان داده‌اند، فاقد سیاست مشخص و مستقل در تعامل با این مسئله هستند. و صرفاً دنباله‌روی جبهه‌گیری کشورهای غربی خواهند بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی پور، زهرا و میرکاران، یحیی (۱۳۹۲). «نقش انرژی هسته‌ای در تغییر وزن ژئوپلیتیکی ایران». فصلنامه مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره یکم، بهار.
- ترابی، قاسم (۱۳۹۱). «شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره سوم، پاییز.
- دوست محمدی، احمد و همکاران (۱۳۸۹). «تأثیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر همگرایی امنیتی در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس». فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره هشتم، تابستان.
- رضایی، مسعود (۱۳۹۴). خلیج فارس و ژئوپولیتیک نفت و گاز، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۴). پرونده هسته‌ای ایران ۲، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۶). پرونده هسته‌ای ایران ۳، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
- موسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۸). ظهور ایران هسته‌ای و موضع‌گیری‌های بین‌المللی، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت.
- مؤمنی، میرقاسم (۱۳۸۴). کتاب خاورمیانه، ویژه خلیج فارس، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
- میثمی، لطف‌الله (۱۳۸۵). «انرژی هسته‌ای و چالش‌های پیش رو»، چشم انداز ایران، شماره یکم، اسفند.
- نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰). مبنای رفتار شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نوری، مهدی (۱۳۹۰). مهمترین رویدادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اندیشه ظهور.
- ویسی، هادی (۱۳۹۱). «نقش انرژی هسته‌ای در قدرت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، شماره یکم، بهار.
- هاشمی، سیدحمید (۱۳۸۵). پرونده هسته‌ای ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خلاصه مقالات (۱۳۸۵). خلیج فارس و توان هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه

اصفهان، گروه علوم سیاسی.

مسرت، محسن. سیاست انرژی ایران: چالش‌ها و جایگزین‌ها، قابل دسترس در:

<http://fis-iran.org/fa/irannameh/volxxi/iran-energy-policy?mode=print>. تاریخ دسترسی:

۱۳۹۴/۷/۲۶

درباره انرژی هسته‌ای بیشتر بدانیم (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰). قابل دسترس در:

<http://rasekhoon.net/article/show/188015/%D8> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۷/۲۳

تعداد کلاهک‌های هسته‌ای اسرائیل ۸۰ عدد برآورد شد، ۲۶ خرداد ۱۳۹۳ - خبرگزاری تسنیم قابل

دسترس در: <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/402480> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۷/۲۳

دهقانی، محمود (۱۳۸۵). **ایران عربستان مقتضیات تازه**، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت

پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/departments>. =597 تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۷/۲۳

اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). **سیاست هسته‌ای در منطقه خلیج فارس**، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت

پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/departments>. =597 تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۷/۲۳

خبرگزاری تسنیم، ۱۵ فروردین ۱۳۹۴، قابل دسترس در: <http://www.tasnimnews.com/fa/news/>

یزدان پناه، محمد (۱۳۹۴). **پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران**، ۱۳۹۴/۵/۲۶، قابل

دسترس در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/524900> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۷/۲۶

خبرگزاری فارس (۳ بهمن ۱۳۸۷). **برنامه هسته‌ای ایران و شورای همکاری خلیج فارس**

<http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/>

شیخ نشین امارات هم آمریکا را به شروع غنی‌سازی تهدید کرده است (۱۳۹۴) قابل دسترس در:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/539723/%D8> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۷/۲۳،

قابل دسترس در:

<http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=555> تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۷/۲۲

مشرق نیوز (۱۳۹۱). قابل دسترس در: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/>

ب) منابع انگلیسی

Consa,james (2014). <http://www.forbes.com/sites/jamesconca/2014/09/11/a-nuclear-bolivia-why-not/#f86f0a64bfe2>

Daryl,kimbal,(2015). Nuclearweaponswhohaswhat, August,http,
[//www.armscontrol.org/factsheets/](http://www.armscontrol.org/factsheets/).

- Does Iran Really Need Nuclear Power?, (2015,july,7),
<http://www.wideasleepinamerica.com/2015/07/does-iran-really-need-nuclear-power.html>.
- Hans M. Kristensen , Robert S. Norris (2014). Tuesday, November 18th, 2014, Israel's Nuclear Weapons.
<http://acdemocracy.org/israels-nuclear-weapons-2014/>.
<http://thebulletin.org/2014/november/israeli-nuclear-weapons-20147799>.
[http://www.ecfr.eu/page/-/\(2015\).](http://www.ecfr.eu/page/-/(2015).) ECFR120_GULF_ANALYSIS.pdf ،POST-NUCLEAR: THE FUTURE FOR IRAN IN ITS NEIGHBOURHOOD GULF ANALYSIS.
- [http://www.enec.gov.ae/about-us\(2015\)](http://www.enec.gov.ae/about-us(2015)). The Emirates Nuclear Energy Corporation (ENEC).
- Kayhan Barzegar (2015). BALANCE OF POWER IN THE PERSIAN GULF: ANIRANIAN VIEW <http://belfercenter.ksg.harvard.edu/files/Barzegar-Balance-of-Power-in-the-Persian-Gulf.pdf>.
- WORLD ENERGY OUTLOOK (2014). FACTSHEET،Nuclear power: retreat, revival or renaissance?, <http://www.worldenergyoutlook.org>.